

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ اکتوبر ۲۰۲۲

احمق بر خود می آزماید، عاقل بر دیگران! (۱)

جمعه - ۰۸ میزان ۱۴۰۱ - کابل: حکمی را که به مثابه عنوان مطلب کنونی نگاشته ام فکر نمی کنم مربوط به یک حوزه فرهنگی خاصی باشد بلکه حکمیست جهانشمول و زاده مدنیت بشری که در هر فرهنگ و زبانی به وسیله افراد عادی و متخصصان جوامع با عبارات مختلفی عین مفهوم بیان شده است. غرض از انتخاب این عنوان، نخست نظری گذرا بر وقایع اوکراین و بعد تر رابطه آن با اوضاع کنونی افغانستان می باشد.

۱- در خیر ها خواندیم که در جریان هفته گذشته در مناطق تحت اشغال ارتش روسیه در خاک اوکراین نظرخواهی عمومی در کمال آزادی و بدون جبر و فشار و تحت نظارت نمایندگان بیشتر از ۴۰ کشور صورت گرفت. در تمام این مناطق بیشتر از ۹۷ درصد شرکت کنندگان در نظرخواهی، به سوال پیوستن به روسیه پاسخ مثبت دادند. در ادامه همان اخبار باز هم خواندیم که امروز "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه فدرال به مانند امپراتوران گذشته روسیه تزاری، نتایج نظر خواهی را پذیرفته، اوراق الحاق آن مناطق را به خاک روسیه را امضاء و مردم تازه آمده، خوش آمدید گفت.

این حرکت که از جانب روسیه بدان خیر مقدم گفته شد و از جانب مقامات اروپایی و امریکا با آن مخالفت صورت گرفت، هرچند در ظاهر ظرف یک هفته اخیر آغاز و به اتمام رسید و ظاهراً انتخاب متأثر از جنایات رژیم اوکراین طی ۸ سال گذشته در حق باشندگان آن مناطق بود، مگر در واقعیت امر نه تنها حد اقل بیش از ۸ سال کار تدارکاتی از جانب روسها و احتمالاً امریکائی ها را در پی داشت بلکه تجربه نشان داد که خشونت علیه اقوام ساکن در یک کشوری مانند اوکراین و یا مغلق تر از آن مانند افغانستان سرانجام می تواند به کجا بینجامد. چنانچه:

می دانیم بعد از کودتای امریکائی در اوکراین در سال ۲۰۱۴ که با آن درگیری ها بین روس تبارها و اوکراینی ها در منطقه "دونباس" آغاز یافت، بنا به پیشنهاد روسها جلساتی بین روسیه، فرانسه، المان و اوکراین، جهت ختم درگیری ها، برگزار گردید که سرانجام به امضای موافقتنامه "مینسک" ختم شد. در آن موافقتنامه دولت اوکراین متعهد شده بود که حقوق دموکراتیک آن مناطق را به رسمیت شناخته امکان آن را مساعد سازد تا در قالب یک دولت فدرال، روس تبار های ساکن آن مناطق با حاکمیت مستقر در کیف و کلیت اوکراین زندگانی برادروار و همگون نمایند.

هنوز جوهر امضای موافقتنامه مینسک نخشکیده بود که دولت اوکراین تحت ریاست "پتروشکو" با تکیه بر تحریکات امپریالیسم امریکا که نمی خواست فرانسه و المان و روسیه در تحولات جهانی نقشی داشته باشند، بر مجموع تعهدات پشت پای زده شروع نمود به روسی سازی مناطق از طریق تبعید، کشتار و کوچ اجباری ساکنان آن مناطق. عملکردی که هر گام آن مخالف با موازین بین المللی حقوق بشر و تخطی آشکار از معاهدات کنوانسیون های بین المللی از ژنیو گرفته تا نیویارک و روم بود.

یعنی از یک سو دولت اوکراین از موضع فاشیستی با تکیه بر حمایت مخفی و آشکار امپریالیسم امریکا موافقتنامه مینسک را به تمسخر گرفته بی پروا به کشتار خلق دونباس مشغول بود، از جانب دیگر فرانسه و المان که خود را مقابل حمایت کییف از جانب امپریالیسم امریکا ناتوان می دیدند، سکوت مرگ را انتخاب نموده بودند و از طرف مقبل یعنی روسیه پوتین بسیار زیرکانه کوشش به عمل می آمد تا ضمن آن که برای روسیه در بین ساکنان آن دیار جای پای باز کند و با دادن چند چاکلیت و یا لقمه ای نان آنها را زنده نگه دارد، در عمل هیچ نوع حمایت جدی از آنها به عمل نیآورد و بگذارد تا اوکراین با تشدید کشتار، تخم کین و نفرت را در اعماق ذهن باشندگان آن محل بکارد.

این که روسیه در عمل کاری انجام نداد تا جلو جنایات دولت اوکراین را بگیرد بدان خاطر است که روسیه از توانایی هایش در قبال افشای جنایات اوکراین در سطح منطقه و جهان مطلقاً کار نگرفت، جنایات دولت اوکراین را در شورای امنیت که خود عضوی از آن است مطرح نکرد، جنایات را مستند سازی نکرد تا تهدیدی گردد علیه مقامات اوکراین. گذاشت تا اوکراین و فاشیست های بر سر اقتدار در آن، هر چه می توانستند انجام دهند و مردم را چنان از اوکراین متنفر سازند که در یک نظرخواهی کاملاً دموکراتیک و آزاد، به گفته ناظران ۴۰ کشور بیش از ۹۷ درصد به جدائی از اوکراین و پیوستن به روسیه رأی دهند.

نکته ای که آینده روشن خواهد ساخت، علت موضعگیری های تحریک آمیز امپریالیسم امریکا که مسؤولیت برخورد در قبال اوکراین را به زمامداران پولند سپرده بود، می باشد. آینده نشان خواهد داد که آن موضعگیری ها از روی نادانی و حماقت زمامداران کاخ سفید صورت گرفته و یا ستراتیژی آنها از همان آغاز تجزیه اوکراین بود. بدان معنا که با تشدید مخاصمت و دشمنی بین اوکراین و روسیه، روسیه را وادار به حمایت از روس تباران اوکراینی ساخته، تجزیه اوکراین را از همانجا آغاز نمایند به تعقیب آن پولند و رومانیه نیز دنبال ادعا های ارضی شان علیه اوکراین را گرفته، قسمت هائی از آن کشور را آنها تصاحب و در کل اوکراین را به چند مزرعه کشت گندم که زمینهایش از قبل توسط پسر "بایدن" خریداری شده کوچک ساخته، بخشی از خاک ایالات متحده محاسبه نمایند.

هموطنان گرامی!

این که گفته اند "احمق بر خود تجربه می کند و عاقل بر دیگران"، در مقطع کنونی که حیات به سر می بریم بیشتر از همیشه برای ما می تواند آموزنده باشد. یعنی نه فریب حمایت های ظاهری همسایگان و قدرت ها دور و نزدیک را بخوریم و نه در دام جنگهای جنایتکارانه بین اقوام بیفتیم.

دامی که امروز طالب آهسته آهسته به همان سمت در حرکت است، یک روز با تاجیک، روز دیگر با ازبیک و ترکمن، روز دیگر با هزاره و روز دیگر با نورستانی و بلوچ و ... می خواهد زور آزمائی نماید...

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!